

ششصد روز حبس خانگی

اگر فکر می کنید با حبس و حصر رهبران جنبش سبز، حرکت مردم خاموش می شود، گمان خامی است. جنبش ریشه‌دارتر از آن شده است که با محدودیت و یا حذف امثال بنده متوقف شود بنده و برادر کروی و دیگران همراهان کوچکی با مردم هستیم. آنها جا دارد از خشم روزافزون مردم پترسند نه از ما." پس از ماه‌ها فشار تبلیغاتی و فضا سازی رسانه ای در حالی که قوه قضاییه هیچ دستاویزی برای محدود کردن رهبران جنبش سبز نداشت، ۲۷ بهمن ماه با قطع آخرین ارتباطات و عزل محافظان، حبس خانگی میرحسین موسوی و همسرش زهرا رهنورد وارد مرحله نهایی خود شد.

حبسی که ششصدمین روز را هم طی کرده است. خانه ای در کوچه اختر، خیابان پاستور در نزدیکی بیت رهبری و ساختمان ریاست جمهوری، توسط نیروهای امنیتی که مستقیم تحت مدیریت بیت رهبری هستند به اشغال در آمده است.

بن بست اختر را که شاهراه امید میلیون ها ایرانی است فقط یک خانه دارد. خانه ای که پنجره هایش را هم با آهن جوش داده اند. خانه پر از دوربین و نور افکن است. حتی بن بست را هم با دیواری آهنین پوشانده اند. در ماههای اول حتی سه ماه هم شد که به دختران میرحسین اجازه ندادند از حال پدر و مادر جویا شوند. می گویند حکم دادستانی دارند، اما طی ششصد روز هنوز عاجزند از ارائه یک کارت شناسایی و یک حکم قضایی. ششصد روز که گذشته هنوز نه شورای امنیت ملی بیانه ای داده و نه هیچ یک از نهادهای قضایی و امنیتی توان پاسخگویی به افکار عمومی را داشته اند که "بای ذنب" نخست وزیر هشت سال دوران دفاع مقدس را به حبس برده اند و در بر او بسته اند و از همه حقوق انسانی و شهروندی اش محروم کرده اند.

حصر بیست ماهه ای که مشکلی از حاکمان کم نکرد و بر مشکلاتشان افزود. ریزش حامیان رهبری، ناسامانی اقتصادی، بی اعتباری بین المللی، جبهه بندی های تازه در میان به اصطلاح اصولگرایان و خط و نشان کشیدن های آنان در برابر هم و قهر و چموشی رییس دولت منتصب همه از پیامدهای این حبس غیرقانونی است.

طی این مدت، با مجوز و بی مجوز، ماموران حکومتی بارها به ستادها و دفتر نخست وزیر دوران دفاع مقدس حمله کرده اند. زندانیان بارها با تهدید و ارباب تکی تکی اعضای خانواده به صراحت اعتراف کرده اند که "مسئولیتی در برابر سلامتی زندانیان خود ندارند و برای آنها تنها یک چیز مهم است: حفظ نظام به هر قیمت!" نه به صغیر رحم دارند و نه به کبیر. یکی را در کنکور رد می کنند. یکی را بازداشت، یکی را اخراج، یکی را ممنوع الخروج و دیگری را دادگاهی و ...

یکی از مامورها مدام تکرار می کند "این گردن من رو می بینید تبر نمی تواند آن را بزند. مثل کوه می ماند." من از موضع قدرت دارم با شما صحبت می کنم ما از راس حکومتیم! می گویند فرمان از بالا دارند. از بالاترین مرجع حکومتی. اما نام نمی برند که کیست و چیست.

اینگونه به دنبال حفظ نظامند که حتی دختران میرحسین از دیدارهای منظم و قاعده مند محرومند. ماموران که عصبانی می شوند همین تماس ها و دیدار های گاه به گاهی هم قطع می شوند. دختران اگر کلامی از دیدارهای معدود به کسی واگویند باز خشم ماموران را بر می انگیزد. حتی زمانی که میرحسین موسوی را برای عمل جراحی به بیمارستان منتقل می کنند باز این جامعه و افکار عمومی است که در تب التهاب بی خبری می سوزد. نه خانواده می تواند خبری بدهد و نه آنان که با حکم یا بی حکم، در به روی نخست وزیر هشت سال دفاع مقدس بسته اند. اینکه با چه فیلتری خبرها را به میرحسین می دهند کسی اطلاع ندارد. اما برای او که پیر عرصه سیاست است شاید نیازی نباشد. او از سه نقطه های خبرهای دختران و جاهای خالی آن خبرهای واقعی را می فهمد و تحلیل خودش را دارد. اما حکومت نگران است که صدای میرحسین به گوش مردم برسد و این همه سخنگیری و محدودیت هم برای همین است که نکند پیامی و نکته ای از این دیدارها به اطلاع افکار عمومی برسد.

رفع حصرها، مقدمه ضروری انتخابات آزاد

مشارکت سیاسی و داشتن نظرات و برنامه‌هایی متفاوت با نظر آیت‌الله خامنه‌ای به رسمیت شناخته می‌شد، آیا میرحسین موسوی بازداشت خانگی می‌شد؟

برای پاسخ به این سوال اندکی به عقب‌تر برگردیم. رای به میرحسین موسوی، جوابی متفاوت به همه این سوال ها بود. رای به اینکه سرمایه‌های کشور با تصمیمات خلق هدر نرود. رای به اینکه دولت خود متولی منهدم کردن نهادهای اجتماعی و مطبوعات به عنوان چشم و گوش حساس اجتماع نباشد. رای به اینکه نظامیان به پادگان ها برگردند و همه مسئولان مطابق قانون اساسی رفتار کنند.

اعتراض موسوی به دزدیده شدن رایشان قطعا نه به خاطر شخص میرحسین موسوی که به خاطر عزمشان برای اداره کشور به گونه‌ای دیگر بود؛ و حصر میرحسین موسوی توسط آیت‌الله خامنه‌ای معنایی جز کتمان همه این خواسته‌ها، عزم‌ها و اراده‌ها ندارد. بازداشت خانگی موسوی، معنایی بیش از کتمان حقوق و حصر کسی را در خود نهفته دارد که پای تعهدش با مردم ایستاد و دوشادوشان در اعتراضاتمان شرکت کرد، خانواده اش بازداشت و ترور شدند و خودش در بازداشت است. بازداشت خانگی موسوی و کروی، معنی اش کتمان این خواسته‌ها و هویت سیاسی متفاوت ماست. تا وقتی آیت الله خامنه‌ای توان این را دارد و یا برایش مقرون به صرفه است که رهبران ما را در بازداشت خانگی نگه دارد، طبیعی است به هیچ یک از خواسته‌های دیگرمان از جمله برگزاری یک انتخابات واقعی نتواند رسید. به همین خاطر است پروژه‌های جدی برای تحول در کشور را از نسبی که با تلاش برای آزادی موسوی و کروی دارند، می‌تواند سنجید.

دشمن در درون شماست

کارگران هم بحرانی "جلوه دادن" است؟ آیا چشمان تیزبین وزارت اطلاعات از سرنوشت خانواده های کارگران بیکار شده بی اطلاع است؟ تشکیلات اطلاعاتی مملکت چگونه می تواند از "نامیدکننده نشان دادن وضع معیشت مردم" صحبت کند؟ آیا این گرانی های گسترده و ناتوانی بسیاری از مردم از تأمین نان شب و معاش روزمره، چیزی است که بتوان درباره آن تعبیر "نشان دادن" را به کار برد؟ آیا وزارت باخبر از اتاق کار موساد، از صحبت های مردم در تاکسی و اتوبوس و مترو بی خبر است؟ اگر سکان کلاه و پاستور و پاسداران قصد دارند برای پاسداری از قدرت، هست و نیست مردم را به باد دهند و مستضعفان و ولی نعمتان حقیقی انقلاب را به ذلت و فلاکت بکشانند، شک نکنند که اهل درد و دین در مقابل تمام دنیای آنها خواهند ایستاد. معاش مردم و به ویژه اقشار مستضعف، به حیات آنها وابسته است، و به دین آنها. فقر با خود کفر را هم می آورد. اینهمه عصبانیت البته قابل فهم است؛ اعتراضی رسا و البته سخت به اینکه راهبرد "آگاهی بخشی" جنبش سبز جواب داده است. مسئولان امنیتی باید هم عصبانی باشند؛ چرا که سه سال تلاش و خرج بودجه های هنگفت برای آنچه "جنگ نرم" نامیدند، اکنون به شکست انجامیده و به نقطه پایان رسیده است.

واردات خودروهای لوکس با دلار دولتی

همزمان با سوء مدیریت دولت در بازار ارز از واردات صدها خودروی لوکس با ارز دولتی خبر می رسد، آن هم در ایامی که ارز مرجع تخصیصی به بیماران و صنایع قطع و حتی به طور کلی دسترسی آنها به آن محدود شده است.

زندانی سیاسی

- * عبدالناصر مهیمنی، عضو سابق زندانی شورای شهر گرگان به دلیل وضعیت وخیم جسمانی اش به بهداری زندان منتقل شد.
- * جمعی از فعالان مدنی، سیاسی و دانشجویی با صدور بیانیه ای نسبت به بازداشت رشید اسماعیلی دانشجوی فعال اعتراض کردند.
- * حکم سام محمودی روزنامه نگار برای ۳ سال زندان تعزیری، ۴ سال حبس تعلیقی و ۱۰ سال ممنوعیت از کار تأیید شد.
- * درمان محمدرضا مفیسه که پس از ماه ها به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شد به دلیل نداشتن مواد اولیه متوقف شد.
- * سیدحسین رونقی فعال حقوق بشر زندانی در نامه به رییس قوه قضاییه نسبت به ضرب و شتم امدادگران بازداشتی اعتراض کرد.

کشورمان روزهای سختی را می‌گذراند. معیشت مردم دچار مشکلات اساسی شده و چرخ های زندگی خانواده‌ها به سختی می‌چرخند. دیپلماسی غلط و سیاست‌های ناکارآمد، ما را مقابل تحریم‌ها و تهدیدهای خارجی به شدت آسیب پذیر کرده است. هر روز خبر تعطیلی کارخانه و بیکار شدن کارگرانی را می‌شنویم. اما آیا این سرنوشت محتمل ما بود؟ اگر قانون ارج داشت و رئیس دولت نمی‌توانست قانونی را که خوشش نمی‌آمد اجرا نکند و برنامه چهارساله توسعه را که روند‌های قانونی‌اش را طی کرده بود به کناری بگذارد، کار به اینجا می‌کشید؟ اگر تمام ارکان حکومت به قانون اساسی پایبند بودند، خود را مجبور به پاسخگویی می‌یافتند و فشار مسئولیت را روی خود احساس می‌کردند، آیا آیت‌الله خامنه‌ای سکان سیاست خارجی کشور به گونه‌ای هدایت می‌کرد که اینچنین کشور را در تنگنا قرار دهد؟ آیا اگر می‌توانستیم قانون منع دخالت نظامیان در سیاست را اجرا کنیم، اقتصاد کشور توسط سپاه پاسداران تسخیر می‌شد؟ اگر مطبوعات و رسانه‌ها مختلف اجازه فعالیت آزاد و نقد عملکرد صاحبان قدرت را داشتند، ایشان این توان را پیدا می‌کردند بخواهند موضوع فسادهای دولتی کش داده نشود؟ اگر امکان تغییر و تجدید نظر در سیاست‌های جاری و تعویض مستخدمان مردم برای اداره کشور از طریق انتخابات وجود داشت، سیاست مخربی که اینچنین معیشت و کرامت مردم را نشانه رفته است، امکان دوام داشت؟ آیا اگر توان این را داشتیم که حاکمان را مجبور کنیم اصل ۲۷ قانون اساسی را کتمان نکنند می‌توانستند از برگزاری انتخابات واقعی که امکان تجدید نظر و اصلاح در سیاست‌های کشور را به مردم بدهد، امتناع ورزند؟ اگر فصل دوم قانون اساسی کشور اجرا می‌شد و حق مردم برای

اخیرا وزارت اطلاعات در گزارشی بار دیگر به اتهام زنی علیه جنبش سبز پرداخته و ادعا کرده برنامه ای برای گسترش ناراضیاتی های اقتصادی وجود دارد.

مهمترین نکته مورد ادعای این گزارش، آنجاست که جریانی که "فته" می‌نامد را متهم می‌کند که می‌خواهند در رسانه های خود روی "بحران های کارگری" و "وضع معیشت مردم" تمرکز کنند. آیا جای تأسف نیست دستگاه اطلاعاتی مملکت که قرار بود گوش و چشم ملت باشد، حتی حاضر نیست از "مشکلات معیشتی مردم" سخن بگوید و می‌گوید "وضع معیشت مردم"؟ آیا این همان وزارت اطلاعاتی است که وزیرش در برنامه زنده تلویزیونی ادعا می‌کند تا رختخواب رئیس موساد هم نفوذ کرده و حالا می‌نویسد فتنه گران می‌خواهند فضای اقتصادی کشور را بحرانی جلوه دهند! یعنی فهمیدن اینکه اقتصاد ایران این روزها غرق بحران است، اینقدر سخت است که می‌گویند می‌خواهند آن را بحرانی "جلوه دهند"؟

مسئولان ارشد دستگاه عریض و طویل اطلاعاتی، بهتر بود به جای دشمن دشمن کردن قدری هم از حقایق پنهان جامعه می‌گفتند. لاف از همان "بحران های کارگری" که به وجود آن اعتراف کرده اند بگویند. آیا خبرهای گرسنگی و دردمندی

استقراض ۹۰۰۰ میلیاردی دولت از بانک مرکزی

موسی الرضا ثروتی نماینده مجلس فاش کرد که دولت با عدم واریز درآمدهای حاصل از فروش نفت به خزانه و ۹ هزار میلیارد تومان استقراض از بانک مرکزی بدون مجوز مجلس کسری بودجه خود و طرح هدفمندی یارانه ها را تأمین کرده است.

احمدی نژاد: بودجه صفر شده

محمود احمدی نژاد در اظهارنظری متناقض با صحبت های قبل خود به کسری بودجه دولت اعتراف کرد و گفت: دولت از لحاظ بودجه تحت فشار است و بودجه خیلی جاها صفر شده و اگر لازم باشد از حقوق وزیر و سایرین کم می‌کنیم .

نمایشگاه مجازی سبز در سایت کلمه

در حالی که ۶۰۰ روز از بازداشت خانگی رهبران سبز و خانم رهنورد می‌گذرد، مجموعه ای از منتخب آثار بصری متعلق به معترضان وضعیت موجود کشور در یک کتاب الکترونیک گردآوری شده است برای دسترسی به این آثار به سایت کلمه مراجعه کنید.